

دلایل و زمینه های ظهور مدعیان مذهبی در سده های میانه تاریخ ایران (با تاکید بر سده های ۵ تا ۹ق)

چکیده

تاریخ ایران و اسلام همواره با مدعیان دروغین و تفکرات بدعت آمیز دینی- مذهبی روبه رو بوده است. بخش قابل توجهی از مدعیان دروغین نبوت (متنبیان)، امامت و مهدویت (متمهدیان) در سده های میانه تاریخ ایران به ویژه سده های پنجم تا نهم هجری ظاهر شدند که خود رمزگشایی از آن را برای متخصصان امر ضروری می سازد. در همین راستا این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش بنیادین که دلایل و زمینه های ظهور مدعیان مذهبی در سده های پنجم تا نهم هجری تاریخ ایران کدام است؟ به روش توصیفی-تحلیلی دریافته است که عوامل متعدد و متنوعی در شکل گیری، تقویت و تداوم این گونه رخدادها نقش داشته است. پیشینه تاریخی و پیش سیاسی-مذهبی روز، اعتقادات و باورهای مذهبی، تاثیر تفکرات ملل و نحل مختلف، نارضایتی های عمومی منتج از شکاف بین دولت و ملت و نیز اعمال سیاست ظلم و ستم نسبت به قاطبه جامعه از سوی حکومت های این دوره از تاریخ ایران، فقدان و یا تضعیف مشروعیت حکومت های ذاتا بیگانه این مقطع و در نهایت تامین منافع مادی و معنوی اشخاص و یا جریان های حامی و مبلغ آنان در ظهور مدعیان دروغین مذهبی نقش داشته است. پژوهش در یک رویکرد کلان، الگو و رهیافتی جهت فهم این گونه تحولات در تاریخ ایران و اسلام ارائه داده است.

کلیدواژه ها: مدعیان مذهبی، دلایل و زمینه ها، تاریخ ایران، سده های میانه اسلامی، سده های ۵-۹ق.

مقدمه

تاریخ ایران همواره با مسأله ای به نام اندیشه های بدعت آمیز دینی-مذهبی و بالتبع ظهور مدعیان دروغین نبوت، امامت و مهدویت روبه رو بوده که تا به امروز نیز ادامه یافته است. در این میان سده های میانه اسلامی و به ویژه قرون پنجم تا نهم هجری سهم قابل توجهی در این امر دارد. رخدادی که تحت تاثیر عوامل سیاسی، مذهبی و اقتصادی شکل گرفته و البته تار و پود جامعه ایران این عصر را به شدت تحت الشعاع خود قرار داده است.

تاثیر مذهب و پدیده های مذهبی بر تحولات سیاسی، اجتماعی و حتی اقتصادی ایران در طول تاریخ به ویژه سده های میانه اسلامی غیر قابل انکار است. در همین راستا بایستی معترف بود ظهور مدعیان دروغین مذهبی، خود از اهمیت و جایگاه آن گواهی دارد. ضمن آن که قابلیت استفاده ابزاری از دین و مذهب را در عرصه سیاسی به نمایش می گذارد.

شواهد تاریخی بیانگر این واقعیت است که تعدد، تنوع، شدت، گستردگی و... بروز و ظهور مدعیان دروغین، این مقطع از تاریخ ایران را در قیاس با دیگر دوره ها متمایز و در عین حال قابل تامل و در خور بررسی علمی می سازد. لذا پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش اساسی بوده است که دلایل و زمینه های ظهور مدعیان مذهبی در سده های میانه تاریخ ایران به ویژه در سده های پنجم تا نهم هجری کدام است؟

هدف بنیادین پژوهش دستیابی به یک نظریه در تاریخ ایران است. با توجه به اینکه تاریخ ایران در همه ادوار و حتی تا به امروز با چنین حوادث و رخدادهایی رو به رو بوده و می باشد، بی تردید تحلیل و رمزگشایی از این پدیده در تجربه سده های میانه تاریخ

ایران- به عنوان یک دوره ممتاز و منحصر به فرد- در اصل شناسی، تم شناسی و ریشه شناسی آن در دوره‌های بعدی مفید خواهد بود.

در خصوص ادبیات یا پیشینه پژوهش بایستی معترف بود علیرغم اهمیت بحث دلائل و زمینه های ظهور مدعیان دروغین، متأسفانه فاقد پژوهش علمی به ویژه در مقطع مورد اشاره هستیم. معدود پژوهش‌های موجود از جمله کتاب «مهدیان دروغین» (جعفریان ۱۳۹۱)، مقاله «منجی گرایی در عصر حاکمیت مغولها در ایران» (ایزدی ۱۳۹۲)، مقاله «گونه شناسی مدعیان دروغین مهدویت» (صفری فروشانی و عرفان ۱۳۹۳)، مقاله «واکاوی ادعای مهدویت از سوی فرقه حروفیه در دوره تیموریان» (علیزاده دیل و کریمی ۱۳۹۸)، صرفاً به معرفی برخی از مدعیان و عموماً مدعیان دروغین مهدویت -آنهم معمولاً در گستره تاریخ اسلام- پرداخته اند. مقاله «مدعیان دروغین و شگردهای تبلیغی آنان در سده های میانه تاریخ ایران» (شعبانی و عباسی رمی ۱۴۰۱) چنانچه از عنوان آن هویداست، صرفاً به شگردهای تبلیغی مدعیان از جمله سحر و جادو، ادعای ارتباط با جهان ماوراء و نیز پیشوایان دینی، برخوردار از کرامات معنوی و تبارسازی دروغین و آنهم در گستره وسیع سده های میانه اسلامی پرداخته است. پژوهش «معرفة ماهیة المدعیین الزائفین فی القرون الوسطی من تاریخ ایران (القرنان ۴-۹ق)» (شعبانی و عباسی رمی ۱۴۴۴) این مقوله را مورد پژوهش قرار داده است که عمده خاستگاه اجتماعی مدعیان مذهبی در قرون چهارم تا نهم هجری شهری، روستایی و یا عشایری است؟ لذا رویکرد تحلیلی به ویژه در خصوص دلائل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی و ارائه یک نظریه کلان اساساً در منظومه فکری این پژوهشگران جایگاهی نداشته است؛ که خود بر جنبه ابتکاری و نوآورانه پژوهش پیش رو دلالت دارد. پژوهش پیش رو مستخرج از پایان نامه‌ای است با عنوان «اندیشه‌های بدعت آمیز دینی و واکنش‌ها به آن در سده‌های میانه تاریخ ایران» که پیرامون مدعیان دروغین مذهبی در سده‌های میانه اسلامی انجام و بخشی از آن به دلائل و زمینه های ظهور مدعیان در سده‌های پنجم تا نهم هجری اختصاص یافته است؛ که خود می‌تواند بر جنبه ابتکاری نوشتار پیش‌رو دلالت داشته باشد.

الف- مدخل

تاریخ تحولات ایران سده‌های میانه و به ویژه سده‌های پنجم تا نهم هجری به سان تمام ادوار آن شاهد مدعیانی است که ادعای نبوت، امامت و ادعای مهدویت کردند. گرچه برخی از این انتسابات در حد اتهام بوده و به دلائل سیاسی- مذهبی، برای تضعیف جریان رقیب و ملوک کردن حرکات اعتراضی و تخریب چهره حق خواهانه و ظلم ستیزانه اشخاص از سوی جریان حاکمیت روز و یا جریان‌های رقیب صورت پذیرفته است، لیکن جای انکار و تردید نیست که توسل و تثبیت به چنین عناوینی و با توجه به دلالتی که در پیش رو خواهد آمد، خود از صحت تعداد قابل اعتنایی از این انتساب‌ها حکایت دارد. ضمن آنکه گزارش منابع تاریخی نسبتاً مستقل و با رویکرد منصفانه و به دور از ایدئولوژی تحمیلی حاکمیت نیز بر این امر صحه می‌گذارد.

تاریخ ایران سده‌های مذکور نمونه‌های بسیاری از ادعای بدعت آمیز نبوت را شاهد بوده است. (بطور مثال در محرم سال ۴۸۹ق شخصی در نواحی نهاوند مدعی نبوت شد) (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۴۲۸). حدود ده سال بعد یعنی ۴۹۹ق و در همان شهر، یعنی نهاوند مردی - به مانند مدعی قبلی فاقد نام - دعوی نبوت کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۲/۲۱). قاشانی به فردی شاعر با خطی زیبا در سال ۷۱۵ق اشاره دارد که مدعی بود همانند حضرت عیسی و حضرت خضر نبی (ع) نامیرا است (قاشانی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). در سال ۸۰۵ق شخصی مصطفی نام که نوکر شیخ بدرالدین موسی قاضی سماونه بود، ادعای نبوت کرد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۸۲/۲). ضمناً گفته شده است در همان سال ملاعرشی کاشانی در اصفهان ابتدا ادعای مهدویت و سپس نبوت کرد (مرعشی، ۱۴۳۲: ۳۵۶).

تاریخ ایران سده‌های مذکور تعدادی از مدعیان دروغین امامت را ثبت کرده است. مولی علی فرزند سید محمد فلاح - بنیان گذار فرقه مشعشیه - ادعای امامت کرد (۸۶۱ق). حتی برخی منابع نوشته اند که وی ادعای خدایی هم کرد (شوشتری، ۱۳۷۷: ۲/۳۹۵ - ۴۰۰؛ امورتی، ۱۳۷۹: ۳۱۴). بدعت دیگری که می توان بدان اشاره کرد بدعت محمود تارابی و به ادعای امامت در سال ۶۳۶هجری

است. بدعتی که خود منشاء تحولات مهمی در عصر ایلخانی و در قالب نهضتی ملی گردید (جوینی، ۱۳۸۵: ۸۶/۱ - ۸۹).^۳ ادعای مهدویت به دلائل مختلف بیشترین تعداد از ادعاهای دروغین را در این دوره از تاریخ ایران به خود اختصاص داده است. نمونه‌های تاریخی بسیاری بر استفاده ابزاری مدعیان از این باور عمومی جهانی و در راستای اهداف سیاسی و مذهبی، وجود دارد.^۴ بلیای منجم در بصره سال‌های ۴۸۳-۴۸۴ق ادعای مهدویت کرد (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۳۹۲-۳۹۳). در سال ۶۳۷ هجری ابوالکرام دارانی در بخارا و به عنوان منجی و مهدی قیام کرد (شیبانی، ۱۳۸۱: ۷۸، ۷۷). ادعای مهدویت توسط قاضی شرف الدین ابراهیم و به سال ۶۶۳ق ثبت گردیده است (وصاف الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰-۱۱۱؛ تتوی - قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۶۵۷). تاریخ اولجایتو مدعی است که در کوههای کردستان ادعای مهدویت شخصی به نام موسی با استقبال بسیار مردم رو به رو گردید (۷۰۷ق) (قاشانی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷). امیر تیمورتاش پسر امیر چوپان در حدود سال ۷۲۲ق ادعای مهدی آخرالزمان کرد (ابن

۱. ادعای پیامبری و در راستای اهداف و انگیزه های مختلف حتی به دوران حیات پیامبر (ص) و نیز بلافاصله پس از وفاتشان باز می‌گردد. در راس آن می‌توان به اصحاب رده و در عصر خلفای راشدین اشاره کرد. در دوره های بعدی تاریخ ایران و اسلام نیز نمونه های بسیاری از ادعای بدعت آمیز نبوت را به علل و انگیزه های مختلف و البته با واکنشها و متقابلا تاثیرات بسیار شاهد هستیم - جهت نمونه ها و در تاریخ ایران تا قرن چهارم هجری (ر.ک. به: طبری، ۱۳۷۵: ۱۶/۶۸۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۲: ۱۰/۴۲۶۷-۴۲۶۹؛ همو، ۱۳۷۱: ۲۰/۳۷۲؛ فقیه بلخی، ۱۳۷۶: ۱۲۳). علاوه بر جغرافیای ایران سده های میانه اسلامی، دیگر نقاط جهان اسلام نیز با ادعاهای دروغین پیامبری رو به رو بوده است که خود از شرائط و نیز در عین حال از دغدغه های مشترک در این خصوص گواهی دارد (جهت نمونه ها ر.ک. به: ابن مسکویه، ۱۳۷۶: ۵/۲۳؛ تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۲/۴۵۷-۴۵۸).

۲. گفته شده است این مدعی دروغین پیامبری چهار نفر از اصحاب کبار خود را با اسامی اصحاب اربعه (ابوبکر، عمر، عثمان و علی (ع)) معرفی نمود. تاریخ الفی از میزان استقبال عمومی از وی این گونه خبر دارد: «از روسای آن ولایت، خلائق بسیاری به نبوت او رو آوردند و املاک و اسباب خود را فروخته ثمن او را، تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ و طَلَبَا مَرَضَائِهِ ها پیش... وی می‌بردند و او نیز دست به جود و عطا بر آورده هرچه پیش او می‌بردند به هرکه میخواست از وی دریغ نمی داشت» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۴۲۸).

۳. جغرافیای ایوبیان نیز در سال ۵۹۶ق شاهد ادعای امامت و احتمالا مهدویت و پیامبری توسط المعز اسماعیل حاکم یمن بوده است (ابن خلکان، ۱۳۶۴: ۳/۴۷۱).

۴. نه تنها تاریخ ایران این مقطع مدعیان متعدد مهدویت را به نا به دلائلی شاهد بوده است، بلکه مدعیان نائب امام زمان نیز پر شمارند. آنانی که به نظر می‌رسد با رویکرد ابزاری و برای پیشبرد اهداف خود بدان متوسل می‌شدند (جهت نمونه ها ر.ک. به: شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۱/۵۸۷-۵۸۶؛ شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴).

۵. وی به روایت منابع تاریخی به اطراف و جوانب نامه نوشت با این مضمون که: «مهدی موعود که خلق را دعوت به حق می‌نماید منم. اگر اطاعت و انقیاد من نماید از عذاب آخروی و ذلت دنیوی، امن و خلاص خواهید شد» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۳۹۲-۳۹۳).

حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۵۱۸/۱؛ سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۷/۱). احمد بن عبدالله بن هاشم معروف به ملثم در سال ۸۹ هجری ادعای مهدویت کرد (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۳: ۱۸۵/۱).

علیرغم طرح تردیدهای جدی از سوی برخی محققان، لیکن مکتوبات، دست نوشته‌های مدعیان و نیز اسناد و شواهد تاریخی حکایت از آن دارد که چهره‌هایی چون فضل الله حروفی، محمود پسیخانی، محمد نوربخش و محمد بن فلاح مشعشی را می‌بایست از زمره مدعیان مهدویت [و به باور برخی حتی نبوت و امامت] به شمار آورد (ر.ک. به: شوشتری، ۱۳۷۷: ۳۹۵/۲؛ دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸؛ الشیبی، ۱۳۵۲: ۱۷۱؛ هوار، ۱۹۰۹: ۲۱-۲۲؛ کیا، ۱۳۳۰: ۲۴۳؛ گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۷). علاوه بر این شیخ شمس‌الدین عمر (مقتول به سال ۷۰۷ ق) و اعظ اهل فارس (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۷۱)، ملاجان بلخی (۸۹۰ ق) (مبلغی آبادانی، ۱۳۸۵: ۱۱۱۸، ۱۱۱۵) و در نهایت شیخ عبدالقدیر بخارایی در سال ۹۰۰ هجری و در بخارا (همان: ۱۱۱۸، ۱۱۲۱) دعوی مهدویت کردند که البته فرجام همگی آنها قتل به دست مخالفان بوده است.

ب- دلایل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی

رمزگشایی از ظهور مدعیان دروغین در سده‌های پنجم تا نهم هجری تاریخ ایران ما را به علل چندی رهنمون می‌شود. البته از همان آغاز بایستی خاطر نشان کرد که شرائط سیاسی-اجتماعی روز و یا وقوع هرج و مرج در این مقطع از تاریخ ایران [به ویژه در میانه متاخر] زمینه و بستر لازم را در بروز و ظهور مدعیان دروغین فراهم می‌کرد. ضمن آن که خطرات و آسیب‌های سیاسی منتج از ظهور مدعیان و در قالب قیام‌ها و شورش‌ها خود موجب می‌گردید تا حکومت‌ها سیاست خصمانه‌ای را در قبال‌شان اتخاذ کنند. گزارش‌های تاریخی بر این امر صحنه می‌گذارد؛ که خود البته در خور پژوهش مستقلی خواهد بود (ر.ک. به: منتظری، ۱۳۸۹: ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵، ۲۰۳).

۱. رسوخ بینش سیاسی-تاریخی

ادعاهای نبوت، امامت و به ویژه مهدویت نه تنها در همه ادیان، ملل و جوامع، بلکه در تاریخ ایران و اسلام نیز ریشه و سابقه دیرینه داشته است. لذا جامعه ایران سده‌های میانه اسلامی با این مساله بیگانه نبود و همواره با آن آشنایی و در عین حال آمادگی ذهنی داشت. در همین راستا نمی‌بایست تعاملات و تأثیرات فرهنگی بین ملل و فرق را نیز در این امر نادیده گرفت (صابری، ۱۳۹۷: ۲۹/۱-۲۵).

اعتقاد به منجی آخرالزمان یکی از وجوه مشترک تمام ادیان و آیین‌ها است. پیروان این ادیان بر این باورند که در زمانی نامشخص فردی از اعقاب پیامبرشان یا آن که خدا در کتب آسمانیشان وعده داده است، ظهور خواهد کرد و دنیا سراسر داد و برابری خواهد شد (ر.ک. به: سوره قصص، آیه ۵؛ کتاب مقدس، مجموعه مزامیر داوود در مزمور ۳۷ و بند ۲۹).

شور و التهاب موعود آخرالزمانی در ادیان توحیدی و آسمانی خود موجب گردید تا از روزگار باستان تا عصر حاضر هزاران نفر ادعا کنند که موعود آخرالزمان هستند. ظهور منجی و نجات بخش در میان ملت‌ها و ادیان مختلف امر متداولی بوده است. البته اینکه اولین بار در میان کدام اقوام و ادیان ظهور منجی مطرح شده است، اختلاف نظر وجود دارد. لیکن از آنجایی که دین مزدیسنا

۱. به طور نمونه برهمنیان در آخرالزمان منتظر «ویشنو»، انگلیسی‌ها در انتظار «آرتور»، اقوام اسکاندیناوی منتظر «اورین»، اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخس»، اقوام امریکای مرکزی معتقد به نجات بخش جهان «کوئز کولوتل»، چینی‌ها به ظهور «کوشنا»، یونانیان در انتظار نجات دهنده بزرگ «کالویرگ» و یهودیان نیز به ظهور «ماشع» (مسیح بزرگ) بوده و هستند.

قدیمی‌ترین دین در مورد منجی و نجات بخشی است، لذا می‌توان زرتشت را حداقل در ایران پیشگام اندیشه منجی دانست (ابراهیم، ۱۳۸۱: ۲۲-۲۱).

وجود چنین بینش عمیقی در جامعه ایرانی موجب گردید تا در پی اختلافات مذهبی و نارضایتی‌های حاصل از نظام طبقاتی عصر ساسانی ظهور و بروز و در عین حال استقبال جامعه از دعاوی مانی^۱ و مزدک به ادعای پیامبری را شاهد باشیم که خود از روح زمانه خبر دارد. جالب اینجاست که خود و یا پیروان آنان - برای رفع هر گونه شبهه‌ای - ارتباط با جهان ماوراء و رسالت از سوی آسمان برای هدایت و نجات بشر را چاشنی استدلال‌شان می‌کردند (ر.ک. به: کریستنسن، ۱۳۶۸: ۲۶۴).

در تعالیم اسلام به خصوص در تشیع نیز ظهور منجی و نجات بخش رونق بیشتری داشت. آنان بر این باور بوده و هستند که از مشرق زمین یک نفر برمی‌خیزد و تمام قبایل اسلام را متحد می‌سازد و آنها را بر دنیا مسلط می‌گرداند. ضمناً در اندیشه و افکار تشیع تنها کسی که می‌تواند ظلم و جور را از دنیا بشوید و جهان را پر از عدل و داد کند، منجی و نجات‌بخش می‌باشد. لذا بی‌علت نیست که شیعیان برخی از شهرها از همان سده‌های میانه اسلامی با اسب سفید زین کرده انتظار ظهورش را می‌کشیدند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۴۲؛ خواندمیر، ۱۳۶۲: ۳/۳۶۶؛ میرخواند، ۱۳۸۰: ۵/۶۲۴).

در خصوص ظهور پیامبران و امامان دروغین این عصر نیز این پیشینه و البته بینش عمومی جهانی را شاهد هستیم. چنانچه منابع تاریخی ظهور ده‌ها مسیح دروغگو - حتی در جغرافیای ایران - را در سده‌های مختلف و با کنش‌ها و واکنش‌های فراگیر ثبت کرده اند (گرینستون، ۱۳۷۷: ۵۳، ۷۶؛ تونه‌ای، ۱۳۸۳: ۶۵۸؛ صاحب‌الزمانی، ۱۳۳۵: ۹۵، ۱۰۱). در همین راستا به نظر می‌رسد اندیشه‌های موعود آخرالزمانی که در افکار تشیع گسترش یافت، نمی‌تواند بی‌ارتباط با اندیشه‌های مسیحی و در موضوع منجی باشد. لذا به نظر می‌رسد این افکار و اندیشه‌ها بر افکار مدعیان مذهبی سده‌های میانه تاریخ ایران اثرگذار بوده است.

احتمالاً حتی بتوان ردپایی از تاثیر آئین بودا را در این حوادث یافت؛ زیرا تاثیر این آئین به علت هم‌جواری جغرافیایی و مجاورت فرهنگی، بر تصوف اسلامی - به ویژه در خراسان بزرگ - غیر قابل انکار است. ضمن آن که نباید فراموش کرد که برخی از مدعیان اندیشه‌های بدعت آمیز دینی - مذهبی خود دارای خاستگاه، صبغه و یا مدعی انتساب به تصوف و یا جریان‌های صوفیانه بوده - اند (امین، ۱۳۷۸: ۱۰، ۱۵۷).

نمونه‌های تاریخی و از سده‌های نخستین اسلامی نیز خود از وجود چنین بینشی در تار و پود جامعه ایرانی گواهی دارد. به طور مثال گفته شده است، به آفرید ادعای پیامبری کرد و آیین جدیدی را به وجود آورد (صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۵۲). همچنین راوندیه در راستای انتقام خون ابومسلم و البته برای نزدیک شدن به خلیفه منصور، وی را خدای خویش می‌دانستند که خود از بینش عمومی جامعه عصر حکایت دارد (حسنی رازی، ۱۳۶۴: ۱۷۹). در سال ۱۶۰ق شخصی به نام یوسف البرم در شهر پوشنگ نیز ادعای نبوت کرد (مقدسی، ۱۳۷۴: ۲/۹۶۳). خون‌خواهان ابومسلم خراسانی همچون سنباد در سال ۱۳۷ق مدعی عروج او به آسمان (ر.ک. به:

^۱ افکار مانی بعد از اسلام به طرق مختلف وارد جهان اسلام شد و توانست با تاثیر بر فرق مختلف بر افکار و اندیشه‌های بدعت‌گذاران این دوره موثر واقع شود. به ویژه آن که بین اندیشه‌های صوفیانه آیین مانوی با تکوین تصوف در جامعه اسلامی و در قرون متمادی یک رابطه معنادار وجود دارد (ر.ک. به: ابن ندیم، ۱۳۸۱: ۲/۵۹۲-۶۰۱). در همین راستا خاستگاه صوفیانه برخی از مدعیان مذهبی قرون ششم تا نهم هجری و یا لااقل سعی بر انتساب خود به جریان صوفیانه و به عنوان یک شگرد تبلیغی قابل برداشت خواهد بود؛ به طور مثال در مورد مدعیانی چون قاضی شرف الدین ابراهیم (وصاف الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰)؛ سید محمد نوربخش (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۵۱، ۳۶۰، ۳۷۲؛ صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹۰)؛ بایزید انصاری (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹)؛ فضل الله حروفی (کیا، ۱۳۳۰: ۲۴۳)؛ سید محمد مشعش (شوشتری، ۱۳۷۷: ۲/۳۹۵-۴۰۰) در این خصوص گزارشاتی موجود است.

صدیقی، ۱۳۷۲: ۱۷۶) و اسحاق ترک نیز مدعی گردید ابومسلم از انبیاء و فرستاده زردشت است و به زودی ظهور می کند (زرین کوب، ۱۳۴۳: ۴۷۸). المقنع (۱۳۶-۱۶۷ق) نیز در پی اهداف سیاسی خود در ماورالنهر ادعای پیغمبری کرد (نرشخی، ۱۳۶۳: ۹۰). این پیشینه تاریخی ملل جهان و به ویژه ایران از یک واقعیت انکارناپذیر پرده بر می دارد و آن رسوخ بینش‌هایی چون مهدویت، انتظار و موعود در بین آنان است که خود البته می‌توانست مشوق لازم برای بروز و ظهور این گونه اندیشه‌ها و نیز فراهم سازی بسترهای ذهنی لازم در این زمینه باشد (محمدی ارانی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۶).

در همین راستا قابل تحلیل خواهد بود که چرا نهضت‌هایی چون حروفیه بر مساله مهدویت رهبران خود تاکید بسیار داشتند. آنان به درستی از رسوخ بینش عمومی مشترک در ادیان مختلف مسیحی، یهودی و نیز فرق مختلف مسلمان بهره برداری می‌کردند. این اشتراک باور بی تردید می‌توانست در پیشبرد اهداف این گونه نهضتها و در همسویی و همراهی های عمومی و در نهایت توفیقاتی هرچند مختصر و گذرا، بسیار موثر واقع شود (ر.ک. به: گولپینارلی، ۱۳۷۴: ۲۲-۲۳).

توصیفی که از غزالی و توسط برخی از متفکران عصرش مبنی بر این که اگر قرار بود پس از خاتم پیامبران، پیامبری مبعوث شود، او غزالی بود (قادری، ۱۳۸۳: ۸۴) و یا پرسش بر مفهوم و در عین حال مکرر بهمنیار [شاگرد برجسته ابن سینا که برخی معتقدند مسلمان شد و برخی دیگر از زرتشتی ماندن وی سخن دارند] از ابوعلی سینا که علیرغم استعداد کم نظیر و فکر خلاق، چرا خودش را به عنوان پیامبر فرستاده خدا معرفی نمی‌کند؟ خود از روح زمانه و بینش عمومی جامعه در این خصوص و به ویژه در مواجهه با شخصیت‌های خارق العاده و شگفت انگیز و گاهی نیز از سر غلو شان آنان حکایت دارد (محمدی ملایری، ۱۳۷۵: ۱/۱۴۵). رسوخ این بینش عمومی و به عبارتی روح زمانه البته خود نمی‌توانست در ظهور مدعیان دروغین مذهبی و در حقیقت بهره برداری آنان از بسترهای ذهنی موجود در جامعه بی‌تاثیر باشد.

عبارت ابن تیمیه در اوائل قرن هشتم هجری بر ادعای رسوخ این بینش عمومی و در عین حال وجود تردیدهای جدی پیرامون دعاویشان، پیش از پیش صحنه می‌گذارد. چنانچه می‌آورد: «در روزگارمان، تعدادی از مشایخ را می‌شناسم که زاهدند و عابدند و هر کدام بر این باورند که مهدی هستند و بسا که بارها کسانی آنان را به مهدی مخاطب کرده‌اند، در حالی که این شیطان است که آنان را بدین نام می‌خواند» (ابن تیمیه، ۱۹۸۶: ۲۱۱/۴).

ضمناً استفاده از عبارت «مهدی آخرالزمان» در ادب فارسی و در وصف سلاطین و حاکمان گرچه در مفهوم مهدویت رایج نبوده است، لیکن خود می‌توانسته است به عنوان یکی از زمینه های بسترساز برای تقویت ادعای مهدویت در جامعه ایرانی به طور اعم و در سده‌های پنجم تا نهم هجری به طور اخص ظاهر شود (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۴-۱۰۵).

۲. منافع شخصی-گروهی

منافع مادی و معنوی مدعیان مذهبی و جریان‌ها، نحله‌ها و تفکرات حامیشان را می‌بایست به عنوان یک عامل اثرگذار در ظهور و دعاوی دروغین‌شان دانست. در همین راستا سوءاستفاده از جامعه و باورها و اعتقادات آن و نیز جعل و تحریف در آیات و احادیث در دستور کار قرار داشته است. تاریخ ایران و اسلام در سده‌های نخست هجری نمونه‌های متعددی از مدعیان دروغین با چنین انگیزه‌هایی را ثبت کرده است. در سده‌های میانه و به ویژه قرون پنجم تا نهم هجری نقش منافع شخصی-مادی را بسیار پر رنگ

۱. خشم و غضب مرداویج زیاری نسبت به ابوحاتم رازی- حدیث شناس و رجالی نامدار- و علیرغم آن که در آغاز از حامیان و پیروان وی بود، در این ادعای ابوحاتم که به زودی امامی ظهور خواهد کرد و البته ظهور نکرد، بیان شده است (دفتری، ۱۳۷۶: ۱۴۳؛ مهرآبادی، ۱۳۷۴: ۵۴).

۲. البته نمی‌بایست تزلزل و سستی در اعتقادات و باورهای مذهبی و در عین حال نگاه ابزاری بدان، انحراف از حق و اعمال نظرها و تفاسیر شخصی، تعصب، کینه‌توزی‌ها و تنگ‌نظری‌ها را در این امر نادیده گرفت.

تر از گذشته شاهد هستیم. به طور مثال در خصوص مدعی نبوت در نهاوند اواخر قرن پنجم هجری به روایت تاریخ الفی «از روسای آن ولایت، خلائق بسیاری به نبوت او رو آوردند و املاک و اسباب خود را فروخته ثمن او را، تَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ وَ طَلَبَا مَرْضَاهُهَا پیش... وی می‌بردند» (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۴۲۸). در مورد مدعی دیگر نهاوندی و در همین مقطع نیز گفته شده است گروه زیادی از مردم آبادی‌های آن ناحیه، املاک خود را فروختند و بهای آن را به وی دادند که تمامش را خرج کرد (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳۷۲/۲۱). در خصوص مدعی مهدویت ابوالکرام دارانی و در عصر مغول گفته شده است که وی نیز پول و ثروت بسیاری جمع آوری کرد؛ که خود می‌تواند از نیت و اهدافش در ادعای دروغین حکایت داشته باشد (شیبانی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۸).

علاوه بر این قدرت طلبی و نیز بهره‌برداری ابزاری مدعیان دروغین از اعتقادات مذهبی جامعه برای منافع سیاسی روز قابل برداشت خواهد بود [گرچه شاید بتواند از منظر همراهی و همسویی با نهضت‌های اعتراضی نیز تحلیل شود]. چنانچه اقدام مولی علی فرزند سید محمد فلاح در ادعای دروغین امامت می‌تواند از منظر بهره‌برداری سیاسی از باورهای مذهبی و در کشاکش با حاکمیت سیاسی روز یعنی قراقویونلوها تحلیل شود (شوشتری، ۱۳۷۷: ۴۰۰؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳، ۴۷). همچنین ادعای مهدویت شرف الدین ابراهیم در خراسان سال ۶۶۳ هجری و اقدامات متعاقب آن می‌تواند در راستای کسب قدرت تعبیر گردد؛ به ویژه آن که با نهضت‌های اعتراضی روستائیان و پیشه‌وران و حتی اشراف و ثروتمندان در برابر حاکمیت مغولان در هم‌آمیخته است (وصاف الحضرة شیرازی، ۱۳۴۶: ۱۱۰-۱۱۱). ادعای مهدویت امیر تیمورتاش پسر امیر چوپان در سال ۷۲۲ق. نمی‌تواند با انگیزه‌های او در تصرف عراق و آذربایجان و در حقیقت تقویت قدرت سیاسی بی ارتباط باشد (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۸۷/۱). ضمناً در خصوص ادعای مهدویت و احتمالاً امامت رهبران فرقه حروفیه و نوربخشیه، نمی‌توان بهره‌برداری این فرقه‌ها در سوءاستفاده از باورهای عمومی و در راستای کسب قدرت و تاسیس حکومت را در میان کشاکش‌های سیاسی عصر نادیده گرفت (ر.ک. به: دوغلات، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸؛ زرین کوب، ۱۳۹۰: ۶۳۱؛ کسروی، ۱۳۷۸: ۴۳-۴۷؛ هوار، ۱۹۰۹: ۲۱-۲۲؛ کیل، ۱۳۳۰: ۱۱).

۳. نارضایتی‌های عمومی

اقبال و در نتیجه حمایت عمومی از مدعیان دروغین که خود را در شدت، گستردگی و تداوم فعالیت و گاهی در قالب قیام و شورش و بالطبع در آثار، عملکرد و پیامدشان به نمایش می‌نهاد، حکایت از این واقعیت انکارناپذیر دارد که نارضایتی عمومی حاصل از ماهیت، سیاست‌ها و عملکردهای حکومتی و در راس آن اعمال ظلم و ستم نسبت به قاطبه جامعه ایرانی در سده‌های پنجم تا نهم هجری در این امر دخیل بوده است.

جعل و تبلیغ تفکر تکلیف رعیت و بر حق بودن همیشگی حاکمیت و القاء اندیشه قدسی-غیر مسئول برای حکومت‌ها نیز در فرهنگ سیاسی تاریخ ایران، از سوی نظریه پردازان حکومتی به ویژه در مقطع مورد اشاره (در این خصوص ر.ک. به: دلیر، ۱۳۹۳: ۵۴-۵۵) موجب می‌گردید تا همواره رعیت مجبور به تحمل انواع تبعیض‌ها و ظلم و ستم‌ها از جمله پرداخت انواع مالیات‌های سنگین و کمرشکن به خزانه بی انتهای حکومت شود. ضمن آن که برای ارضاء خوی جنگ طلبی حاکمان، همواره می‌بایست در رکاب آنان جان بسپارد. منابع تاریخی-علیرغم قلت داده‌ها- خاطرنشان می‌سازند که مردم ستم کشیده و بلا دیده و خواهان

۱. نه تنها انگیزه‌های مادی را در مدعیان دروغین مهدویت و در مقطع مورد اشاره شاهد هستیم، بلکه از مدعیان دروغین نائب امام زمان نیز دریافت اموال بسیار به طور مسالمت آمیز و یا به صورت غارت از مردم گزارش شده است (جهت نمونه‌ها ر.ک. به: شیبانی، ۱۳۸۱: ۲۶۳-۲۶۴؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۵۸۶/۱-۵۸۷).

۲. لذا بی علت نیست که حروفیه از شیعیان انتقاد می‌کردند که چرا ادعای مهدویت فضل الله حروفی را انکار می‌کنند (ر.ک. به: جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۸).

مساوات و عدالت به ویژه در دوره متاخر سده‌های میانه تاریخ ایران که آمیخته به ظلم و فساد و خشونت لجام گسیخته بود، راه نجات خود را در ظهور منجی جستجو می‌کردند. لذا بی‌علت نیست که ظهور بیشترین مهدیان دروغین^۱ و در حقیقت اوج دوره تفکر منجی گرایانه^۲ را در این مقطع شاهد هستیم (کریمی و جعفرزاده، ۱۳۹۹: ۱۴۵). این شرائط بی تردید زمینه را برای کسانی فراهم می‌کرد که می‌خواستند از حمایت‌های مردمی به نفع خود و اهدافشان سود جویند.

حکومت‌ها در این دوره غالباً مالیات را به زور شمشیر می‌گرفتند و بدون داشتن نقشه صحیح اقتصادی و عمرانی، آن را حیف و میل می‌کردند. عمال و کارگزاران اصولاً کاری جز وصول ده‌ها نوع مالیات رنگارنگ و به عناوین مختلف نداشتند. چنانچه محصلان مالیاتی به علت تهدیدات سلطان به شکنجه و مرگ در صورت قصور در انجام وظایف، بر سخت‌گیری‌هایشان در دریافت مالیات می‌افزودند که خود در نهایت صدمات و لطمات بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کرد و موجب نکبت و فلاکت آنان می‌گردید. لذا بی‌علت نیست که مردم از خدا می‌طلبیدند تا آنان را از این حکومت‌ها رهایی دهد. همچنین مردم پیشه‌ور در شهرها و ارباب حرف در جنگ با اشراف منتفد، بازرگانان و سرمایه‌داران رباخوار بودند. پیشه‌وران شهری می‌بایست عوارض و مالیات‌های ظالمانه فراوان فتودالی پرداخت می‌کردند. برقراری سیستم تیول که شدیدترین نوع زمینداری بود، یک مرد اشرافی بیگانه و عمدتاً نظامی را که چندان به استقرار وضع اقتصادی علاقه نداشت، بر جان و مال مردم و رعایا حاکم می‌کرد (برتلس، ۱۹۲۶: ۴۲، ۴۷).

در دوره مغول جمع‌آوری مالیات از رعایایی که در اراضی دیوانی و اینچو مسکن داشتند، گاهی به خوانین و تجار بزرگ به مقاطعه داده می‌شد. این شیوه برای مردم مالیات‌دهنده بسیار سنگین و دشوار بود؛ به خصوص که در دوره مغول بهره‌کشی خوانین از روستائیان به مراتب شدیدتر از گذشته بود. روستائیان می‌بایست قریب به سی‌گونه مالیات بپردازند؛ حتی با اقطاع خرید و فروش شوند (پیگولوسکایا، ۱۳۶۳: ۳۵۹، ۳۶۳). شاید به همین علت است که بخش قابل توجهی از مدعیان دروغین دارای خاستگاه روستایی هستند. به طور مثال می‌توان به مدعیانی چون محمود تارابی، سید محمد نوربخش، بایزید انصاری و قاضی شرف‌الدین ابراهیم اشاره کرد که از روستاها برخاستند و دارای حامیان عمدتاً روستایی بودند.

در بخش قابل توجهی از ایران عصر تیموری نیز مردم عادی با تهدید به مرگ و یا شکنجه مجبور به افشای مخفیگاه‌های دارائی‌شان و تأدیه پول و سایر علقه‌ها بودند. همچنین برای برطرف کردن تهدیدات پیوسته نظامی و برای تأمین نفوذ سیاسی و تحصیل قدرت، غالباً تأمین سپاه از مردم عادی صورت می‌پذیرفت. علاوه بر این قتل‌عام‌های وحشیانه و بی‌رحمانه در پی استتکاف مردم شهرها از پرداخت مالیات به محصلان مالیاتی در این دوره ثبت گردیده است (پتروشفسکی، ۱۳۵۹: ۶۲-۶۱؛ فراگنر، ۱۳۷۹: ۲۷۰-۲۵۰). بی‌تردید این فشارها بستر و زمینه‌های لازم را برای ظهور مدعیان مذهبی فراهم کرد؛ تا خود را به عنوان ناجی و رهاننده جامعه از مشکلات و سختی‌های حاصل از ظلم و ستم‌های حکومت و پیرامونیان آنان تبلیغ کنند.

البته نمی‌بایست علاوه بر ناراضی عمومی و محرومیت اقتصادی، عوامل دیگری چون باورهای عمومی^۳ که البته آمیخته به خرافات بود^۴ را در استقبال عمومی از مدعیان دروغین و اقداماتشان نادیده گرفت. زیرا برخی بر این باور بودند که با تبعیت از این مدعیان، گشایشی در زندگی آن‌ها ایجاد خواهد شد. ضمن آن که شگردها و ترفندهای تبلیغاتی مدعیان دروغین در جهت دهی و تهییج اذهان عمومی به انحاء مختلف از جمله انتساب به سادات، القاء ذکرها و وردها و تأکید بر انجام آن‌ها و نیز ادعای ارتباط با جهان ماوراء و غیب آنان را امیدوار به گشایش در زندگی، درمان بیماری و رفع مشکلاتشان می‌کرد (شعبانی و عباسی رمی، ۱۴۰۱: ۸۳-۸۲). در حقیقت افراد ساده‌اندیش جامعه که از سطح بینش و معرفت پایینی برخوردار بودند، عملاً در نقش سیاهی‌لشکر ظاهر می‌شدند که البته خود تأثیر شگرفی بر شیوع و گسترش جریان‌های انحرافی در جامعه داشته است. زیرا نوعاً تبلیغات دروغ و

^۱ این تاثیرگذاری عمومی حتی در سپاه دشمنان نیز قابل تعقیب خواهد بود (در این خصوص ر.ک. به: ایزدی، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹).

شایعات بی‌اساس توسط افراد ساده‌لوح و کم‌سواد با شدت و سرعت بیشتری منتشر می‌شود و همین امر زمینه یک فتنه اجتماعی را در جامعه فراهم می‌سازد.

نمونه‌های متعدد بر حمایت مردم از برخی مدعیان این سده‌ها گواهی دارد. بطور مثال گفته شده است مردم -عمدتاً متعلق به اقشار فرودست جامعه- در واکنش به ظلم و بیداد مغولان از محمود تارابی حمایت کردند (جوینی، ۱۳۸۵: ۸۶/۱-۸۷). همچنین آمده است که قاضی شرف‌الدین ابراهیم در شیراز سال ۶۶۳ ق از حمایت مردمی برخوردار بود. ظاهراً انتساب کرامات و خوارق نسبت به وی از سوی مریدان [علاوه بر شرائط سیاسی-اجتماعی ایران عصر ایلخانی] در حمایت مردم خراسان و فارس از ادعایش بی‌تأثیر نبوده است (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۶۵۷). استقبال عمومی از خواص و عوام پیرامون شیخ شمس‌الدین عمر در شیراز گزارش شده است. ظاهراً علاوه بر شرائط روز، واعظ بودن وی نیز در این جاذبه‌ها اثرگذار بوده است (شیرازی، ۱۳۲۸: ۲۷۱). سید محمد نوربخش و ادعای مهدویت او نیز مورد استقبال عمومی قرار گرفت؛ که خود از شرائط عصر و در راس آن نارضایتی عمومی در عرصه‌های مختلف گواهی دارد (دوغلان، ۱۳۸۳: ۶۲۷-۶۲۸). در هر صورت به نظر می‌رسد حمایت‌های مردمی در تشکیل، تداوم و احیانا پیروزی‌های -هر چند موقت و گذرای- جنبش‌های منتج از دعاوی مذهبی و پیرامون مدعیان دروغین نقش اساسی داشته است.

انتصاب برخی از مدعیان به تصوف و خانقاه به خصوص در عصر مغول- تیموری و با توجه به رونق و بالطبع نفوذ بسیار در افکار عمومی، در استقبال عمومی از آنان بی‌تأثیر نبوده است. گرچه بایستی معترف بود نگاه ابزاری به این ابزار نافذ برای پیشبرد منافع سیاسی در نهایت اهتمام بوده و واقعیتی غیر قابل انکار است. در همین راستا مدعیانی چون قاضی شرف‌الدین ابراهیم (تتوی و قزوینی، ۱۳۸۲: ۴/۶۵۷) سید محمد نوربخش (صفری فروشانی و عرفان، ۱۳۹۳: ۹۰) و سید محمد مشعشع (همان: ۹۱) بهره‌برداری فراوانی از تصوف و خانقاه نمودند. حتی در خصوص امیر تیمورتاش مدعی مهدویت گفته شده است سیاست وی در جلب توجه فرقه‌های مختلف صوفیانه و در راستای تقویت پایگاه مردمی موثر واقع و بخش قابل توجهی از فرقه‌های صوفیانه روم با وی بیعت کردند. آنان حتی دیگران را نیز به حمایت از وی تشویق کردند (ر.ک. به: عارفی افلاکی، ۱۳۶۲: ۲/۹۷۷-۹۷۸).

تحریک احساسات ملی و آن هم در عصر بیگانه‌ترین حکومت‌ها، توسط برخی از مدعیان دروغین را نیز نمی‌بایست از نظر دور داشت. چنانچه در خصوص فضل‌الله حروفی گفته شده است وی زبان فارسی را زبان دینی قرار داد و به جای حاکمیت عرب، حاکمیت ایران را جایگزین کرد. خود نیز به صورت ظهوری الهی که مقامش برتر از تمام انبیاء است، میان پیروانش پذیرفته شد (کیا، ۱۳۳۳: ۱۱).

در خاتمه این مبحث لازم به ذکر است که خاستگاه شیعی برخی از مدعیان به ویژه مهدویت خود می‌تواند ما را به محدودیت‌ها، تضییقات و ستم متوجه جامعه شیعی از سوی حکومت‌ها و جریان‌های افراطی سنی عصر رهنمون شود. در نتیجه این بار نیز در کنار عوامل مختلف، تشیع به عنوان یک مکتب اعتراضی-در کنار ویژگی انتظار- ظاهر و البته مورد بهره‌برداری برخی از مدعیان دروغین و در نیل به اهدافشان گردید (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۹-۱۱۰).

۴. چالش‌های مشروعیتی حکومتها

مشروعیت، به معنای باور عمومی اعضای یک جامعه است مبنی بر اینکه قدرت حکومت، قدرتی به حق و مستوجب فرمانبرداری است. وقتی مشروعیت با حاکمیت می‌آید، معنای آن نداشتن رقیب در قلمرو داخلی و تسلط بر همه گروه‌ها و نیز استقلال در برابر سایر دولت‌هاست. در جوامع دینی دغدغه شرعی بودن و نبودن بسیار حائز اهمیت است. مشروعیت می‌تواند قدرت وحشی و عریانی را به اقتداری مقبول و متفاهم بدل نماید. مشروعیت توجیهی با صبغه دینی از حاکمیت است؛ یعنی توجیهی از حق فرمان

و اطاعت مطلق و بی چون و چرا. قدرت هنگامی مشروعیت پیدا می‌کند که فرمان و اطاعت با حق و حقانیت تلقی شود. از آنجائی که تمرکز قدرت در دست شخص واحد در ذات خود متضمن نابرابری است، نیازمند توجیه می‌باشد و مشروعیت پاسخی است به این نابرابری و توجیه آن. ضمناً مشروعیت به حاکم آزادی عمل می‌دهد (فیرحی، ۱۳۸۸: ۱۱).

بحران‌ها و چالش‌های مشروعیتی حکومت‌های عمدتاً ترکی سده‌های پنجم تا نهم هجری را نمی‌توان در تحلیل علل ظهور مدعیان دروغین و در دل این سده‌ها نادیده گرفت. حکومت‌ها در کمتر دوره‌ای از تاریخ ایران و به مانند این دوره با این میزان از بحران‌های شدید مشروعیتی و آنهم در انواع آن یعنی مشروعیت ملی، مذهبی و سیاسی مواجه بوده‌اند. ضمن آن که سیاست بازتولید مشروعیت توسط متفکران پیرامونی این حکومت‌ها نیز کمتر رنگی از توفیق داشته که در نهایت خود را در ضعف و زوال آنان به نمایش نهاده است (دلیر، ۱۴۰۱: ۵۷-۵۶/۵۶، لونی، ۱۳۹۴: ۶۶-۷۰؛ دین پرست، صدقی، کریمی و قانع زوارق، ۱۳۹۸: ۷۷-۷۸).

بررسی و تعمق در تاریخ تحولات سیاسی ایران مقطع مورد اشاره بیانگر این واقعیت است که چالش‌های مشروعیتی همواره موجب شکاف و تضاد بین دولت و ملت می‌گردید که البته این امر در ظهور و نقش آفرینی مدعیان دروغین و متعاقباً استقبال عمومی از آنان اثرگذار بوده است. در همین راستا فقدان مشروعیت ملی در حکومت‌های عمدتاً بیگانه این دوره، تضعیف مشروعیت مذهبی به علت ستیزه‌ها و چالش‌های گاه و بیگاه با دستگاه خلافت عباسی و آنگاه ظهور جریان‌ها و فرقه‌های معارض، رفتارها و عملکردهای به دور از اسلام اصیل، استفاده ابراری از مذهب و نیز سرکوب برخی از فرق و مذاهب آسیب‌جی برای حکومتشان محسوب می‌گردید. علاوه بر فقدان مشروعیت ملی و تضعیف مشروعیت مذهبی، مشروعیت سیاسی بسیاری از این حکومتها با آسیب‌ها و تردیدهای جدی رو به رو بود که خود البته بر سرنوشت سیاسیشان تاثیر منفی می‌گذاشت. این نوع از مشروعیت معمولاً با نظریه پردازی متفکران پیرامونی حاکمیت از فقیه و مفتی و خطیب گرفته تا شاعر و ادیب و مورخ تحقق می‌یافت. حال واقعیت امر آن است که بیگانگی نژادی غالب حکومت‌های سده‌های میانه، وجود روحیه ملی‌گرایی [هر چند ضعیف] و در عین حال بیگانه ستیزی جامعه در کنار عملکردها و رفتارهای سیاسی و نظامی آنان - در کنار شرایط آشفته سیاسی و اجتماعی ایران - خود موجب می‌گردید تا رفته رفته حمایت‌های اولیه رنگ ببازد. ضمن آن که نمی‌بایست ظهور مشروعیت‌های نوین با حامیان جدید و متفکران پیرامونیشان را در این تضعیف مشروعیت سیاسی نادیده گرفت. بدین ترتیب هر گونه اقدام تخریبی از سوی مخالفان علیه این حکومت‌ها و ارکان آن مجاز و مباح شمرده می‌شد (رجبی، ۱۳۸۵: ۲۵۰/۳؛ منز، ۱۳۸۹: ۳۳). در نتیجه ظهور مدعیان دروغین و متعاقباً بروز عملی آنان از یکسو و حمایت‌های عمومی از دیگر سو ارتباط تنگاتنگ و معناداری با چالش‌های مشروعیتی حکومتها می‌یافت. لذا بی علت نیست که برخی از مدعیان دروغین از تحریک احساسات ملی و برای نیل به اهدافشان سود می‌جویند (بطور مثال در مورد فضل الله حروفی) (کیا، ۱۳۳۳: ۱۱).

نتیجه‌گیری

واکاوی در دلائل و زمینه‌های ظهور مدعیان مذهبی در سده‌های میانه تاریخ ایران و به ویژه قرون پنجم تا نهم هجری حکایت از نقش آفرینی عوامل مختلفی دارد. در درجه نخست می‌بایست پیشینه تاریخی و بینش سیاسی روز را نسبت به اندیشه ظهور و منجی به طور اعم و ظهور مدعیانی از جنس نبوت، امامت و مهدویت را به طور اخص مد نظر قرار داد. این امر خود نه تنها در تاریخ ایران و اسلام سابقه و صبغه داشته، بلکه تحت تاثیر ادیان و ملل مختلف و در تعاملات تاریخی بوده است. دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و با بهره‌گیری از دستاویز دینی-مذهبی به عنوان قوی‌ترین محرک‌ها یکی از دیگر دلائل ظهور مدعیان دروغین بوده است. یعنی کسب منافع شخصی و گروهی به عنوان یک عامل اساسی مطرح است. کسب قدرت و ثروت و جمع‌آوری اموال دیگران با حیله و نیرنگ و بدست آوردن ثروت فراوان در منابع تاریخی و پیرامون مدعیان دروغین ثبت گردیده است؛ که خود از نگاه ابزاریشان نسبت به اعتقادات دینی-مذهبی جامعه عصر

پرده بر می‌دارد. علاوه بر این بهره‌برداری از شرائط سیاسی-اجتماعی روز و نارضایتی عمومی منتج از آشفتگی‌های سیاسی منتج از تهاجم و استیلاهای حکومت‌های ایلپاتی ترکی-مغولی نیز عامل اثرگذاری بوده‌است که خود را در استقبال عمومی از مدعیان دروغین به نمایش می‌نهد. بدین ترتیب انگیزه‌های لازم برای ادعای نجات بخشی و در اشکال و صور مختلف نبوت، امامت و مهدویت فراهم می‌گردید. لذا بی‌علت نیست که مدعیان دروغین و حامیانشان عمدتاً به طبقات و صنوف پائین جامعه تعلق دارند؛ که از انواع ظلم و ستم و نیز بی‌عدالتی به ستوه آمده‌اند. البته بهم ریختگی نظام و ساختار طبقاتی و تنزل جایگاه طبقات عالیه غالباً ایرانی و بر اثر استیلاهای بیگانگان، گاهی آنان را نیز همسو با طبقات پایین اجتماع حول محور یک مدعی دروغین و نهضت‌ها و قیام‌های منبعث از آن جای می‌داده است. در همین راستا آنان علاوه بر سوء استفاده از ضعف آگاهی‌های مذهبی جامعه و به ویژه در مقوله انتظار، توسل و تمسک به ابزارها و شگردهای تبلیغی از جمله خواب و رویا، ریاضت، جادو و با مظلوم‌نمایی درصدد جذب طرفداران و مریدانی برای خود می‌شدند. ضمناً کنترل ذهن مریدان با ابزارهای مغزشویی و تملق‌گویی با شخصیت‌سازی کاذب برای مریدان در دستور کار قرار داشته است. فقدان و یا لاقط خلل و آسیب بر انواع مشروعیت حکومت‌های عمدتاً بیگانه سده‌های پنجم تا نهم هجری و عدم پذیرش اجتماعی مشروعیت‌شان نیز خود زمینه و انگیزه لازم را در شکل‌گیری ادعاهای بدعت‌آمیز دینی-مذهبی و متعاقباً مدعیان دروغین و تحولات منبعث از اقدامات و عملکردهای آنان فراهم می‌ساخت.

منابع و مأخذ کتابها

- قرآن کریم، سوره قصص (آیه ۵).
 -تورات، مجموعه مزامیر داوود(مزمور ۳۷).
 -ابراهیم، علیرضا(۱۳۸۱). **مهدویت در اسلام و زرتشت**، تهران: باز.
 -ابن اثیر، عزالدین علی(۱۳۷۱). **الکامل فی التاریخ**، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: علمی.

 -ابن تیمیه، محمد بن عبدالحلیم(۱۹۸۶). **منهاج السنه**، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود.
 -ابن حجر عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد(۱۹۹۳). **الدرر الکامنه فی اعیان المائیه الثامنه**، بیروت: دارالجبل.
 -ابن خلکان؛ ابوالعباس(۱۳۶۴). **وفیات الاعیان فی انباء ابناء الزمان**، تصحیح احسان عباس، قم: افست.
 -ابن مسکویه، احمد بن محمد(۱۳۷۶). **تجارب الامم فی تعاقب الهمم**، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
 -ابن ندیم، محمد بن اسحاق(۱۳۸۱). **الفهرست**، ترجمه محمدرضا تجدد، تهران: اساطیر.
 -الشیبی، کامل مصطفی(۱۳۵۲). **تشیع و تصوف**، ترجمه علیرضا ذکوتی قراگزلو، تهران: امیرکبیر.
 -امین، حسن(۱۳۷۸). **بازتاب اسطوره بودا در اسلام و ایران**، تهران: میرکسری.
 -بدلیسی، شرف الدین(۱۳۷۷). **شرفنامه**، تهران: اساطیر.
 -بیانی، شیرین(۱۳۷۱). **دین و دولت در عهد مغول**، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
 -پتروشفسکی، ایلیاپاولیچ (۱۳۵۷). **کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: نیل.

 -پیگولوسکایا، نینا ویکتوروننا(۱۳۶۳). **تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم**، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران.
 -تتوی، احمد-آصف خان قزوینی(۱۳۸۲). **تاریخ الفی**، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی و فرهنگی.
 -تونه‌ای، مجتبی(۱۳۸۳). **موعودنامه**، تهران: مشهور.
 -جعفریان، رسول(۱۳۹۱). **مهدیان دروغین**، تهران: علم.
 -جوینی، عظاملک(۱۳۸۵). **تاریخ جهانگشای جوینی**، ترجمه عبدالوهاب قزوینی، تهران: دنیای کتاب.

- حسنی رازی، مرتضی بن داعی (۱۳۶۴). *تبصره العوام فی معرفه مقالات الانام*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- خواندمیر، غیاث‌الدین (۱۳۶۲). *تاریخ حبیب‌السیر*، تهران: خیام.
- دفتری، فرهاد (۱۳۷۶). *تاریخ و عقاید اسماعیلیه*، تهران: فرزانه روز.
- دلیر، نیره (۱۴۰۱). *نظام ظل‌اللهی؛ بررسی تطبیقی اعصار تکوین و تقدس*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دوغلات، میرزا محمد حیدر (۱۳۸۳). *تاریخ رئسیدی*، تهران: میراث مکتوب.
- رجبی، پرویز (۱۳۸۵). *سده‌های گمشده*، تهران: پژوهاک کیوان.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰). *روزگاران*، تهران: سخن.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق (۱۳۸۳). *مطلع السعیدین و مجمع البحرین*، به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی.
- شوشتری، نورالله (۱۳۷۷). *مجالس المومنین*، تهران: اسلامیه.
- شیبانی، ابن الفوطی (۱۳۸۱). *الحوادث*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار مفاخر.
- شیرازی، جنید (۱۳۲۸). *تسد الازار فی حظ الاوزار*، پدیدآورندگان محمد قزوینی، تهران: چاپخانه مجلس.
- صابری، حسین (۱۳۹۷). *تاریخ فرق اسلامی*، تهران: سمت.
- صاحب الزمانی، ناصر‌الدین (۱۳۴۵). *دیباچه‌ای بر رهبری*، تهران: عطائی.
- صدیقی، ابوالحسن (۱۳۷۲). *جنبش‌های دینی ایرانی در قرن‌های دوم و سوم هجری*، تهران: پازنگ.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۵). *تاریخ الرسل و الملوک*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- عارفی افلاکی، احمد (۱۳۶۲). *مناقب العارفین*، به سعی تحمین یازجی، تهران: دنیای کتاب.
- فقیه بلخی، ابوالمعالی محمد (۱۳۷۶). *بیان الادیان*، تصحیح محمدتقی دانش پڑوه، تهران: بنیاد موقوفات افشار.
- فیرحی، داود (۱۳۸۸). *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: سمت.
- قادری، حاتم (۱۳۸۳). *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران: سمت.
- قاشانی، ابوالقاسم (۱۳۸۴). *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین حاجیان پور، تهران: بنگاه نشر.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸). *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.
- کسروی، احمد (۱۳۷۸). *مشعشعیان*، تهران: فردوس.
- کیا، مصدق (۱۳۳۰). *واژه نامه گرگانی*، تهران: دانشگاه تهران.
- گرینستون، جولیوس (۱۲۷۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، تهران: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- گولپینارلی، عبدالباقی (۱۳۷۴). *فهرست متون حروفیه*، ترجمه توفیق ه. سبحانی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۸۵). *تاریخ ادیان و مذاهب جهان*، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی ملایری، محمد (۱۳۷۵). *تاریخ فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی*، تهران: توس.
- مرعشی، علامه موسوعه (۱۴۳۲). *الرسائل و المقالات*، قم: کتابخانه مرعشی.
- مستوفی، حمدالله بن ابی بکر (۱۳۳۶). *تاریخ گزیده*، تهران: طهوری.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). *البدء و التاریخ*، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: آگه.
- منز، بتاتریس فوربز (۱۳۸۹). *بر آمدن و فرمانروایی تیمور*، ترجمه منصور صفت گل، تهران: رسا.
- منتظری، سعیدرضا (۱۳۸۹). *زندیق و زندیق*، قم: ادیان و مذاهب.

-مهرآبادی، میترا(۱۳۷۴). **تاریخ سلسله زیاری**، تهران: دنیای کتاب.

- میرخواند، محمد بن خاوند شاه(۱۳۸۰). **تاریخ روضه‌الصفاء**، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.

-نرخشی، ابوبکر محمد بن جعفر(۱۳۶۳). **تاریخ بخارا**، تهران: توس.

-وصاف الحضرة شیرازی، فضل‌الله(۱۳۴۶). **تاریخ وصاف**، ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

-هوار، کلمنت(۱۹۰۹). **مجموعه رسائل حروفیه**، لیدن: بریل.

مقالات

-امورتی، ب.س(۱۳۷۹). «مذهب در دوره تیموریان». **تاریخ ایران دوره تیموریان**، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۲۹۷-۳۱۵.

-ایزدی، حسین(۱۳۹۲). منجی‌گرایی در عصر حاکمیت مغولها در ایران. **فصلنامه تاریخ اسلام**، ۱۴(۲)، ۶۵-۸۸.
-دلیر، نیره(۱۳۹۳). «فرهنگ سیاسی و مبنای نظری پادشاهی و سلطنت؛ بررسی تطبیقی فره ایزدی و ظل‌اللهی». **فصلنامه تاریخ فرهنگی**، ۲۰(۲)، ۳۹-۶۰.

-دین پرست، ولی، صدقی، ناصر، کریمی، علیرضا، و قانع زوارق، علی(۱۳۹۸). «مفهوم انسان کامل و امکان حکمرانی آن در اندیشه سیاسی عرفای ایرانی سده نهم هجری». **تاریخ نامه ایران بعد از اسلام**، ۱۰(۲۱)، ۶۱-۸۶.

-شعبانی، امامعلی، و عباسی رمی، زینب(۱۴۰۱). «مدعیان دروغین و شگردهای تبلیغی آنها در سده‌های میانه تاریخی ایران»، **جستارهای تاریخی**، ۱۳(۲)، ۶۳-۸۸.

-صفری فروشانی، نعمت‌الله، و عرفان، امیرمحسن(۱۳۹۳). «گونه‌شناسی مدعیان دروغین مهدویت». **فصلنامه علمی-پژوهشی مشرق موعود**، ۸(۳۰)، ۸۳-۱۰۷.

-فراگنر، برت(۱۳۷۹). **اوضاع اجتماعی و اقتصادی داخلی**، **تاریخ ایران دوره تیموریان**، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر، ۲۰۹-۲۸۱.

-کریمی، علیرضا، و جعفرزاده، کبری(۱۳۹۹). «بررسی پدیده رو به رشد انتظار و منجی‌گرایی (مهدویت) در عصر ایلخانان». **فصلنامه علمی تاریخ نامه ایران بعد از اسلام**، ۱۱(۲۵)، ۱۲۳-۱۴۷.

-محمدی ارانی، مریم(۱۳۸۶). «منجی‌گرایی در ادیان». **فصلنامه طلوع**، ۶(۲۲)، ۳۵-۵۲.

پایان نامه ها

-لونی، محسن(۱۳۹۴). **مبانی مشروعیت دولت تیموریان**. پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی امامعلی شعبانی، اراک: دانشگاه اراک.

The reasons and contexts of the emergence of religious claimants in the medieval iran's history (with emphasis on the 12th to 16th centuries)

Abstract:

Throughout the history of Iran and Islam, there has consistently been a presence of deceitful claimants and innovative religious thoughts. A notable portion of false claimants, encompassing prophethood, Imamate, and Mahdism, emerged during the Medieval Iran's history, particularly in the 12th to 16th centuries, demanding decipherment for specialists. In this context, the research seeks to answer the fundamental question of the reasons and backgrounds for the appearance of religious claimants in the 12th to 16th centuries of medieval Iran's history. Utilizing a descriptive-analytical approach, the study indicates that various and diverse factors played a role in the formation, reinforcement, and continuity of such occurrences. The historical background and the contemporary political-religious insights, religious beliefs, the influence of various sects' ideologies, public discontent resulting from the gap between the government and the people, as well as the implementation of oppressive policies towards the majority of society by the governments in this period of Iran's history, the lack or weakening of the legitimacy of these not accepted governments and finally securing the material and spiritual interests of individuals or supporting entities has played a role in the emergence of false religious claimants. The research contends that the emergence of deceitful religious claimants played a role in securing material and spiritual interests for individuals or supporting factions. The study presents a comprehensive approach, model, and framework to comprehend such transformations in the history of Iran and Islam.

Key words: Religious claimants, reasons and backgrounds, history of Iran, Medieval Islamic centuries, 12th to 16th centuries